



بررسی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی (شواهدی از کشورهای منا)

کریم رسولی^۱ - اسداله فرزین‌وش^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۹ تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲۴

چکیده

توزیع مجدد درآمد و برقراری و حفظ عدالت اجتماعی از اهداف عمده‌ی اقتصادی است که اکثر دولتها آن را دنبال می‌کنند. مالیات ابزاری است که می‌تواند توزیع مجدد ثروت در جامعه را عادلانه کند و از گسترش فاصله‌ی طبقاتی میان دهک‌های مختلف درآمدی جلوگیری نماید. در همین حال از یک طرف نظام مالیاتی کارآمد می‌تواند از بروز مفاسد اقتصادی جلوگیری نماید و از طرف دیگر وجود امنیت اقتصادی در جامعه‌ای با حداقل ریسک و مفاسد اقتصادی بستر فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی را فراهم نموده که از این طریق موجبات افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود و دولت را در انجام وظایف خود تواناتر می‌سازد.

امنیت اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیتهای بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید. این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد. امنیت اقتصادی و مقولات مرتبط با آن می‌تواند بر فضای کسب و کار و درآمد ملی تاثیرگذار بوده و از این طریق درآمدهای مالیاتی را تحت تاثیر قرار دهد. بررسی تجربی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) که از نظر ساختارهای اقتصادی شباهت‌های نسبی دارند، انجام پذیرفته شده است. بدین منظور از روش داده‌های تابلویی برای برآورد مدل استفاده شده است. با توجه به مدل برآورد شده، آزادی تجاری به عنوان اولین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی، تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. متغیر آزادی تجاری، به عنوان دومین شاخص نیز تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. آزادی مالی به عنوان سومین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. نکته

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران rasuli1354@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (مسئول مکاتبات) farzinv@ut.ac.ir

حائز اهمیت رابطه منفی بین شاخص حقوق مالکیت و درآمدهای مالیاتی است. همچنین در کشورهای منتخب رشد اقتصادی تاثیر مثبتی بر روی درآمدهای مالیاتی ندارد تورم به عنوان یکی از متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل، تاثیر مثبت و معنی‌داری از نظر آماری روی تحقق درآمدها مالیاتی دارد متغیرهای کنترلی صادرات و واردات بصورت درصدی از GDP تاثیر معکوس و معناداری را روی درآمدهای مالیاتی بصورت درصدی از GDP دارند متغیر تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی کشورهای مذکور به عنوان متغیر کنترلی تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد.

طبقه بندی JEL: H10, H20, F50, F52

واژه‌های کلیدی: امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی، آزادی تجاری، مالیات، منا

۱- مقدمه:

نقش و جایگاه دولت‌ها در زندگی اقتصادی و اجتماعی ملت‌ها امروزه اهمیت ویژه‌ای دارد و در واقع علیرغم دیدگاه‌های متفاوتی که صاحب‌نظران مختلف در زمینه‌ی تعیین حدود و نوع این وظایف دارند نقش موثر و مهم دولت‌ها در دنیای کنونی اجتناب‌ناپذیر است. در واقع از زمان‌های گذشته تاکنون دولت‌ها برای خود اهداف و وظایف خاصی را قائل بوده‌اند که این وظایف با توجه به ساختار جامعه‌ها و نیز دوره‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است. توزیع مجدد درآمد و برقراری و حفظ عدالت اجتماعی از اهداف عمده‌ی اقتصادی است که اکثر دولت‌ها آن را دنبال می‌کنند. مالیات ابزاری است که می‌تواند توزیع مجدد ثروت در جامعه را عادلانه کند و از گسترش فاصله‌ی طبقاتی میان دهک‌های مختلف درآمدی جلوگیری نماید. در همین حال از یک طرف نظام مالیاتی کارآمد می‌تواند از بروز مفاسد اقتصادی جلوگیری نماید و از طرف دیگر وجود امنیت اقتصادی در جامعه‌ای با حداقل ریسک و مفاسد اقتصادی بستر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی را فراهم نموده که از این طریق موجبات افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود و دولت را در انجام وظایف خود تواناتر می‌سازد.

در دنیای امروز هدف جوامع و دولتها رسیدن به رشد و توسعه پایدار اقتصادی است. در این بین مطالعات کشورهای مختلف جهان در رابطه با راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار نشان می‌دهد که در پسِ تفاوت‌های عمده در بین کشورها از لحاظ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ویژگی‌های مشترک چشمگیری میان تمام کشورهای توسعه یافته در راه پیشرفت آنها وجود داشته است که یکی از مهمترین ویژگی‌های مشترک برقراری ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی در این جوامع بوده است. کلیه فعالان اقتصادی قبل از هر چیز نیاز به محیطی با ثبات و امن برای اجرای برنامه‌های خود دارند. از نظر تئوریک محیط امن اقتصادی یک عامل کلیدی در ارتقای سرمایه‌گذاری خصوصی و به تبع آن رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. در یک بیان ساده می‌توان امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاها و خدمات، هم در بعد داخلی و هم در بعد بین‌المللی، دانست. تامین امنیت اقتصادی نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که بتواند عملکرد مطلوب کلیه نهادهای مرتبط با فرآیند تولید و سرمایه‌گذاری را فراهم سازد. از طرفی امنیت اقتصادی در جلب و جذب سرمایه‌های خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از سوی دیگر مهمترین پیش شرط امنیت اقتصادی که فعالان اقتصادی انتظار دارند، وجود قوانین جامع و مانع در کشور است به نحوی که بتوانند بر اساس محاسبات بلند مدت نتیجه تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری خود را پیش‌بینی کنند. یکی از مهمترین اصول این نوع از قوانین ثبات نسبی آنها می‌باشد. در مقاله حاضر با توجه به نکات مطروحه، سعی بر این است که بر مبنای ادبیات نظری اقتصاد رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی دولت به بررسی اجمالی وضعیت اقتصاد ایران و چند کشور منطقه از نظر امنیت اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و وضعیت فضای کسب و کار پرداخته و سپس رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی را با استفاده از دو رویکرد نهادی و اقتصادسنجی برای کشورهای منتخب مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی وجود رابطه علی بین درآمدهای مالیاتی و امنیت اقتصادی و چگونگی تاثیر پذیری درآمدهای مالیاتی از ثبات و امنیت اقتصادی از اهداف عمده مطالعه حاضر می‌باشد. برای رسیدن به اهداف تحقیق سوالاتی را می‌توان بدین صورت طرح نمود که:

آیا رابطه معنی‌داری بین افزایش درآمدهای مالیاتی و امنیت اقتصادی وجود دارد؟ مطالعه حاضر یک بررسی نظری، تجربی و کمی می‌باشد که در زمره کارهای کاربردی می‌باشد و سعی گردیده تا دو رویکرد نهادی و اقتصادسنجی به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته شود. چون تأثیرپذیری متغیرهای اقتصادی از هم معمولاً بصورت همزمان بوده و در خیلی از موارد بین چند متغیر روابط دو طرفه برقرار می‌باشد، لذا ابتدا با توجه به چارچوب تحلیلی مطالعه سعی شده است روابط بین متغیرها و تأثیرپذیری آنها از هم با رویکردی نهادی بیان و آشکار گردد، سپس به مدل‌سازی کمی بین متغیرها با توجه به اطلاعات موجود پرداخته شود.

۲- امنیت اقتصادی

«واژه امنیت» معمولاً همراه با مفاهیمی مانند صلح، ثبات، نظم، حکومت قانون، احساس آرامش و اطمینان به آینده به ذهن متبادر می‌شود و مستلزم از سر راه برداشتن موانعی است که در برابر آن قرار می‌گیرد؛ من جمله کوتاه کردن دست عناصر یا نیروهایی که به نحوی از انحاء در راه تحقق آن اختلال می‌کنند.

گزارش ۲۰۰۶ توسعه انسانی، در زمینه موضوع مذکور بیانیه‌ای بدین مضمون دارد که: حقوق بشر و توسعه انسانی در یک زمینه عمومی، همگان را در مورد امنیت از آزادی، در هر کجا باشند برخوردار می‌شناسد، از جمله:

- امنیت و آزادی از تعرض در برابر اختلافات جنسی، نژادی، قبیله‌ای، ملیت و مذهب؛
- امنیت و آزادی از نیاز، به نحوی که افراد از استاندارد زندگی خود رضایت خاطر داشته باشند.

- امنیت و آزادی برای توسعه و شناخت ظرفیتهای انسانی هر فرد؛
- آزادی از ترس و تهدید در برابر تجاوز به امنیت شخصی، شکنجه، توقیف خودسرانه و سایر اعمال خشونت‌آمیز؛

- آزادی از بکار بردن ناعادلانه و خشونت‌آمیز اعمال قانون؛

- آزادی افکار، سخن و مشارکت در مجامع تصمیم‌گیری.

- آزادی برای مبادرت به کارهای قانونی بدون نیاز به توضیح دادن به دیگران.

امنیت اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیتهای بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید. این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد.

با این حال، همیشه دولت‌ها موفق به انجام وظایف خود در زمینه استقرار امنیت نمی‌گردند. گاهی مواقع دولت‌ها به دلیل عدم کارآمدی قواعد حاکم بر نظام کشور و نامحدود بودن اختیارات آنها، خود دچار رفتارهایی می‌شوند که نه تنها کمکی به امنیت نمی‌نماید، بلکه مخل آن نیز می‌شوند.

توجه به امنیت اقتصادی پس از جنگ سرد به طور روزافزونی افزایش یافته است و آن را یکی از ابعاد مهم امنیت ملی قلمداد نموده‌اند، بگونه‌ای که صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران به دنبال راههای جدیدی جهت وارد نمودن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سستی دفاعی امنیت ملی برآمده‌اند. در واقع امنیت اقتصادی از سال ۱۹۴۵ در دستور کار سیاسی کشورها قرار گرفته است و در غرب یکی از اهداف حکومتها و دولت‌ها قلمداد شده است. در یک تعریف ساده، امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، خواه در بعد داخلی و یا بین‌المللی. اینکه امنیت اقتصادی ارزشی مطابق با کاربرد وسیع داشته باشد صرفاً یک توهم است، چرا که امنیت اقتصادی ایده‌ای نسبی است که در عین حال در خود مسمایی نهفته دارد؛ زیرا تأمین امنیت مطلق یعنی عدم کارکرد شیوه داد و ستد یا بازار آزاد رقابتی.

امنیت اقتصادی اصولاً ایجاد و تثبیت یک بستر، جهت انجام فعالیتهای اقتصادی است که بدون وجود آن عملاً فعالیتهای اقتصادی شکل سالم خود را از دست داده، تخصیص بهینه منابع صورت نمی‌پذیرد، به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری اقتصادی مستلزم تأمین امنیت اقتصادی در کلیه شئون مرتبط با آن می‌باشد. بر این اساس تکلیف دولت تسهیل و تسریع فعالیت‌های اقتصادی است؛ یعنی رفع موانع موجود از سر راه فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد امنیت اقتصادی یعنی ثبات و تسهیل و تسریع که منجر به مشارکت بیشتر بخش خصوصی خواهد شد.

۳- ابعاد امنیت اقتصادی

از لحاظ جغرافیایی و فضایی می‌توان امنیت در به معنای وسیع آن را در امنیت بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای، امنیت ملی و امنیت محلی را تشخیص داد. از لحاظ ابعاد گوناگون مفهوم امنیت، می‌توان به مهمترین و مشهورترین معنی آن توجه کرد که عبارت از حذف اعمال زور غیرقانونی از راه مواجهه قانونی با چنین اقدامات است. به عنوان مثال، از لحاظ بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل متحد عهده‌دار مواجهه با مواردی است که اعمال زور و تجاوز مسلحانه یک یا چند دولت، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته باشد.

مفاهیم امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی که همراه با جوامع صنعتی برجسته شده است از یک طرف به معنی ثبات و پایداری نظم اجتماعی و نظم اقتصادی مورد قبول جامعه و از سوی دیگر به معنی مصون بودن درآمد و دارایی شخصی شهروندان و حفاظت آنها در برابر تأثیرات بیکاری، بیماری، ناتوانی و دوران پیری است. از لحاظ تأثیرات اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و مبارزه با بیکاریهای بلندمدت انبوه مردم بسیار شایان توجه است؛ گرچه اموری مانند منع کار اطفال، محدودیت‌های قانونی ساعات کار، بسط بیمه درمان، تصادف و ناتوانی جسمی و تأمین بهداشت و فرهنگ و از اجزا موثر امنیت اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند.

آنچه مسلم است امنیت اقتصادی با دیگر ابعاد امنیت مانند امنیت انتظامی، امنیت قضایی و امنیت اجتماعی ارتباط علت و معلولی متقابل دارد و لازمه حصول امنیت اقتصادی توجه جدی به دیگر ابعاد امنیت است. از آنجا که بازار، فضای مناسبی برای انعکاس ابعاد اقتصادی روابط اجتماعی است، امنیت اجتماعی رابطه بسیار نزدیکی با امنیت اقتصادی برقرار می‌کند. این نکته در اقتصاد جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نه تنها منابع اقتصادی در سطح بسیار گسترده‌ای قابلیت خرید و فروش در بازار را دارند، بلکه ماهیت روابط بازار پیچیدگی خاصی یافته است.

آنچه باز قطعی به نظر می‌رسد ارتباط تنگاتنگ مفهوم امنیت اقتصادی با مفاهیم آزادی، برابری در برابر قانون، برابری فرصت‌ها، رفاه و رشد اقتصادی، عدالت در مبادله و عدالت در توزیع است؛ گرچه شاید مهمترین بحث‌ها مربوط به ارتباط امنیت و آزادی باشد. در

حکومت‌های خودکامه معمولاً ادعا می‌شود که امنیت در نقطه مقابل آزادی قرار دارد و با صرف نظر کردن از آزادی ملازمه دارد، ولی در جوامع آزاد، امنیت و آزادی توأمأ مورد درخواست هستند و تضادی بین آزادی و امنیت وجود ندارد.

مفهوم آزادی معمولاً به آزادیهای سیاسی، آزادیهای اقتصادی و آزادیهای فرهنگی و فکری قابل تقسیم است. آنچه به نام آزادیهای اقتصادی مطرح می‌شود شامل موارد متعددی مانند آزادی کار، آزادی بنگاهها، آزادی بازرگانی، آزادی قراردادهای، آزادی بازارها، آزادی رقابت، آزادی ورود به هر رشته صنعتی، آزادی شغل و آزادی مصرف است و گفته می‌شود که سلب این آزادیها، سلب‌کننده امنیت اقتصادی نیز هست؛ گرچه برای هر یک از این آزادیها حدودی وجود دارد.

همان‌طور که بیان شد، امنیت اقتصادی یکی از ابعاد مهم و حایز توجه در امنیت ملی است و در عین حال امنیت اقتصادی در درون خود با تناقض روبه‌رو است. دامنه وسیع امنیت اقتصادی گویای گستردگی این تناقض است. در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب، مسکن و آموزش) مربوط است.

در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و دفاع مرتبط است و تأمین آنها چندان آسان به نظر نمی‌رسد.

سطح دیگری از امنیت اقتصادی مربوط به شرکتهاست. شرکتهای فقط به حفظ خود در رأس بازار از طریق ایجاد انحصار و اختصاص سهمی از بازار به خود توجه دارند و در واقع این شرکت با گرایش سودجویی و جذب کلیه منابع به خود، ترجیح می‌دهند با ایجاد انحصار کامل یا ناقص، از بازار فرار و یا آن را تضعیف کنند. بدین ترتیب وقتی شرکتهای از طریق انحصار یا کسب حمایت به دنبال امنیت باشند بین منافع امنیتی آنها و منافع رفاهی مصرف‌کنندگان تناقض بروز می‌کند. در عین حال امنیت از نظر اقتصادی نیز جز دستور کار امنیت ملی است.

در هر حال یکی از ابعاد تردید ناپذیر در بعد امنیت اقتصادی ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری است، زیرا جنبه اصلی امنیت اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات. زیرا هدف امنیت ملی در این بعد با افزایش سلامتی اقتصاد ملی با بهبود نسبی وضعیت اقتصادی حاصل می‌شود. امروزه با پایان جنگ سرد،

رقابت نظامی جای خود را به رقابت اقتصادی داده است. به طور کلی، توجه به الگوی رشد اقتصادی در صحنه بین‌المللی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، حکایت از تب تند بیش از هر زمان دیگر برای حصول به رشد اقتصادی با روش‌های بسیار سریع است. کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته رقابت زیادی را برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی در پیش رو دارند؛ چرا که اتکا بر منابع داخلی دیگر جوابگوی رشد اقتصادی مطلوب آنان نیست و این عرصه رقابت به ویژه با دخالت سایر افرادی غیر از دولتها حادث شده است. امروزه بسیاری از کشورهای صنعتی، شرکتهای داخلی خود را ترغیب به سرمایه‌گذاری در خارج می‌نمایند و حتی در مقابل ضررهای خارجی، بیمه خطرات را به آنان ارایه می‌نمایند. در سالهای اخیر، یک روش جاری برای ترغیب رشد در چارچوب رقابتی جهانی، توسط شرکتهای چند ملیتی بنیاد گذارده شده که در قالب تشکیل اتحادیه‌های راهبردی جهت سرمایه‌گذاری مشترک، به منظور پیشرفت در شرایط رقابتی و پر کردن شکاف موجود در محصولات است.

امروزه حتی تأمین امنیت اقتصادی داخلی در مواردی به صورت کمکها و فشارهای اقتصادی بر سایر کشورها جلوه می‌نماید و البته عمدتاً تابع سیاست «هویج و چماق» است. هدف امنیتی، ایجاد نفوذ اقتصادی است؛ یا به عبارتی حفظ و گسترش اتحادیه‌های با ثبات اقتصادی و دسترسی به منابع حیاتی، بازارها و نیروی کار از طریق استفاده از تشویقها یا ممنوعیتهای اقتصادی است.

در هر حال، تأمین سرمایه‌های لازم برای رشد و توسعه اقتصادی یکی از ابزارهای موفق دولتها برای ایجاد امنیت اقتصادی در بعد داخلی است که با عنایت به محدودیت سرمایه‌های داخلی، بسیاری از کشورها، امروزه به ابعاد سرمایه‌گذار خارجی به عنوان رکن اصلی اقتصادی خود توجه دارند؛ زیرا سرمایه‌گذاری خارجی صرفنظر از رشد اقتصادی موجباتی جهت ارتقاء و رشد تکنولوژی داخلی، آموزش و بهینه‌سازی نیروی کار، گسترش صادرات و دستیابی به بازارهای جدید را می‌تواند در برداشته باشد که عمده اتکاء در مباحث رساله حاضر در خصوص ابعاد درآمدهای مالیاتی در تأمین امنیت اقتصادی است.

۴- شاخص سازی امنیت اقتصادی

با عنایت به مطالبی که در باب امنیت اقتصادی و ابعاد آن آورده شده است، در این قسمت به مروری اجمالی بر شاخص سازی امنیت و ریسک اقتصادی و مولفه های اصلی تشکیل دهنده اسن شاخصها پرداخته می شود. مطالبی که در این قسمت آورده می شود، مولفه های هستند که موسسات بین المللی در زمینه برآورد ریسک اقتصادی فعالیت می کنند، به کار می برند. در این قسمت سعی شده است که مولفه های به کار برده شده در چندین موسسه بین المللی از جمله EIU، Freedom House، Fitech Institute، World Bank، Heritage و... آورده شود تا فهرست کاملی از مولفه های تشکیل دهنده ریسک اقتصادی بدست آید.

دو نکته مهم را قبل از پرداختن به مولفه های تشکیل دهنده شاخصهای امنیت اقتصادی باید مد نظر قرار داد.

الف- گستره متنوعی از شاخصهای امنیت اقتصادی از دو منظر سنتی و مدرن (حداقلی و حداکثری) پیشنهاد شده است.

ب- در صورتی که شاخصهای امنیت اقتصادی با رویکرد مدرن آن مورد توجه واقع شوند، نباید از ماهیت پارادوکسیکال و دوگانه آنها که بشدت به نحوه تعامل سیاسی با کشورهای جهان وابسته است غفلت کرد.

۴-۱- نگاه سنتی

در یک نگاه سنتی به مساله امنیت اقتصادی که بر تئوری های کلاسیک روابط بین الملل متکی است، قدرت یابی یک دولت ملت تنها راه حل جهت افزایش ضریب امنیتی در دنیای تهدیدآمیز بیرون تلقی می شود و کسب امنیت یک بازی با حاصل جمع صفر ارزیابی می گردد، می توان شاخصهایی نظیر آنچه که در ذیل مطلب می آید و با مفهوم قدرت پیوندی وثیق دارد را برای امنیت اقتصادی کشور تصور کرد:

۱. سهم تولید داخلی از مصرف کالاهای استراتژیک

۲. نسبت هزینه های نظامی کشور به هزینه های نظامی کشورهای همسایه، منطقه،

متخاصم، جهان و...

۳. سهم نسبی کشور در تولید مواد اولیه و خام مورد نیاز کشورهای همسایه، منطقه، متخاصم، جهان و...
 ۴. سهم تولید داخلی از مصرف مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای.
 ۵. میزان یارانه‌های دولتی جهت حمایت از صنایع به بودجه عمومی دولت (هرچه این نسبت بیشتر باشد دال بر بالاتر بودن آسیب‌پذیری‌های داخلی و اهتمام دولت جهت رفع آن است).
 ۶. نسبت تولید ناخالص داخلی کشور به کشورهای همسایه، منطقه، متخاصم، جهان و...
 ۷. نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ناخالص داخلی و نسبت آن با نسبت سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سایر کشورها.
 ۸. سهم تولید داخلی محصولات نظامی یک کشور در خریدهای نظامی سنواتی
 ۹. نسبت بدهی‌های خارجی بالقوه و بالفعل به تولید ناخالص داخلی و...
- از این منظر هر مولفه‌ای که به افزایش قدرت ملی در مقایسه با رقبا - از نقطه نظر نظامی یا اقتصادی - بدل شود یا به نحوی منابع مالی، فنی و اقتصادی مورد نیاز قدرت نظامی را تامین نماید قابل احصاء خواهد بود.

۴-۲- نگاه مدرن حداقلی

در یک نگاه مدرن حداقلی بعضاً شاخص‌های امنیت اقتصادی حتی به شاخص‌های جهانی شدن تقلیل یافته‌اند. در این نگاه خوشبینانه و ایده‌آلیستی به مساله امنیت که ناظر بر گسترش همکاری‌های اقتصادی جهت تامین امنیت جهانی است، شاخص‌های زیر به عنوان مهمترین شاخص‌های امنیت اقتصادی معرفی گردیده‌اند:

۱. میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به همسایگان، کشورهای منطقه و جهان.
۲. سهم کشور از تجارت جهانی.
۳. میزان اثر بخشی یک کشور در سازمانهای بین‌المللی.
۴. درآمد سرانه.
۵. ریسک ملی.
۶. درجه باز بودن اقتصادی (سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص داخلی).

۷. کسری یا مازاد تراز پرداخت‌ها و تراز تجاری.
 ۸. رتبه فناوری.
 ۹. سهم تجارت الکترونیک در کل تجارت کشور.
 ۱۰. نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی.
 ۱۱. سهم دارائی‌ها، تولید و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در کل دارائی‌ها، تولید و سرمایه‌گذاری اقتصاد و...
- بدیهی است که چنین نگاهی به امنیت اقتصادی در گرو ارائه تصویری اقتصادی از یک کشور به دیگر کشورهای جهان است و کارآمدی شاخصها در گرو حداقل چالشهای امنیتی و سیاسی با جهان پیرامون خواهد بود.

۳-۴- نگاه مدرن حداکثری

در نگاه مدرن حداکثری به امنیت ملی، مرزی برای شاخصهای امنیت اقتصادی وجود ندارد و به اقتضاء آسیب‌پذیریهای داخلی یک کشور می‌تواند شاخص‌های متنوعی به نگاه حداقلی اضافه گردد.

بدیهی است که به فراخور وضعیت کشور می‌توان شاخص‌هایی نظیر بدهی‌های بین‌المللی، رکود اقتصادی، انفجار جمعیت، آلودگی محیط زیست و توزیع نابرابر درآمد و ثروت در داخل و... را به این مجموعه افزود یا برای شاخص‌های متنوع رتبه‌بندی‌های متفاوتی قائل شد.

در یک مطالعه در دانشگاه عالی دفاع ملی با چنین رویکردی شاخص‌های زیر از منظر نگاه پولی به موازنه پرداخت‌ها، به عنوان شاخص‌های امنیت اقتصادی کشور پیشنهاد شده است.

- ۱- آسیب‌پذیری‌های اقتصاد در تعامل با خارج
 - میزان بدهی خارجی نسبت به تراز پرداخت‌ها
 - سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص داخلی
 - سهم سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم و غیر مستقیم در تولید ناخالص داخلی
- ۲- بقای سیاسی و امنیتی

- سهم بودجه دفاعی در کل بودجه کل کشور
- سهم صادرات صنعتی در مجموع صادرات
- ۳- رفاه اقتصادی و همخوانی اقتصادی
 - بیکاری
 - تورم
 - توزیع عادلانه درآمد
- ۴- آزادی اقتصادی
 - بودجه شرکتهای دولتی و بودجه دولت
 - سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی در سرمایه گذاری کل کشور

۵- نقش ثبات سیاسی در امنیت اقتصادی

نکته دیگر ضرورت ثبات سیاسی برای تحقق امنیت اقتصادی است؛ به طور کلی اغلب کشورهایایی که دارای سابقه شورش، کودتا و انقلاب می‌باشند، در راه نیل به رشد و توسعه اقتصادی موفقیت چندانی نداشته‌اند یا لاقابل برای چندین سال با اقتصاد بحران‌زده‌ای مواجه بودند.

بی‌ثباتی سیاسی، یک شاخص مؤثر کارکرد نامناسب اقتصادی است. در کشورهای در حال توسعه، بی‌اطمینانی که در فضای سیاسی پدید می‌آید، سرمایه‌گذارها را کاهش می‌دهد و فرار سرمایه را بر می‌انگیزد؛ در حالی که در کشورهای صنعتی، بی‌ثباتی سیاسی به گزینش‌های سیاسی سست و ضعیف می‌انجامد؛ مثلاً اگر دولت احتمال انتخاب مجدد خود را ضعیف ببیند، انگیزه قوی خواهد یافت که از خط مشی کوتاه مدت پیروی کند.

شاید به طور دقیق نتوان یک ارتباط کمی بین سیاستهای اقتصادی و امنیت سیاسی ترسیم کرد؛ اما ارتباط مستقیمی که می‌توان بین اقتصاد و امنیت سیاسی دید این است که براساس نگاه تاریخی، همبستگی محکمی بین بحرانهای مالی و آشفتگی‌های سیاسی وجود دارد.

تحقیقات زیادی در مورد تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی صورت گرفته است. برای مثال در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ برای ۱۰۴ کشور غیرکمونویستی بین سالهای ۸۲-

۱۹۴۸ انجام گرفت، بر این تأکید شده است که بی‌ثباتی سیاسی باعث کاهش سطح رشد درآمد ملی تا حدود تقریباً ۶٪ می‌باشد. در تحقیقات دیگری که در سال ۱۹۹۲ انجام شد، نتایج حاکی از آن بود که درآمد نابرابر، بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی را افزایش داده، باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. بر اساس این تحقیق یک درصد افزایش در شاخص بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی باعث کاهش سرمایه‌گذاری به میزان ۲/۸۹ درصد می‌گردد. براساس تحقیقات انجام شده توسط فانی، آنکسی و تیلور (۱۹۸۴)، افزایش ۱۰ درصدی هزینه‌های دفاعی، رشد سالانه را تا ۱۳٪ کاهش می‌دهد، این نتیجه از میان ۶۹ کشور بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۷۰ به دست آمده است.

اسکولی در سال ۱۹۹۲ براساس تحقیقی که بر روی ۱۱۵ اقتصاد مبتنی بر بازار، طی دوره ۸۰-۱۹۶۰ انجام داد، نتیجه گرفت که جوامع باز سیاسی که آزادی سیاسی، مدنی و اقتصادی، تقدم حقوق فردی بر حقوق دولتی و رواج مالکیت خصوصی را حرمت می‌نهند، با نرخ رشدی سه برابر جوامعی که این آزادی‌ها را محدود ساخته‌اند، رشد می‌یابند. کورمندی و مگوییبر در مورد نمونه‌ای مرکب از ۴۷ کشور دریافتند که کشورهای برخوردار از درجه بالایی از آزادی‌های مدنی، نرخ رشدی دارند که حدود ۱٪ بیشتر از سایر کشورهاست.

امروزه مؤسسه‌های مختلف برآورد ریسک که وظیفه مشاوره در خصوص میزان خطر سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف دارند، بر اهمیت تأثیر مسایل سیاسی بر شاخصهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری تأکید دارند و بر این اساس در محاسبات خود برای تعیین ریسک سرمایه‌گذاری شاخص و وزن مهمی را به جریانات و موضوعات سیاسی، اختصاص می‌دهند.

مؤسسات خدمات ریسک سیاسی از دو سیستم برای ارزیابی ریسک‌هایی که اقتصاد کشورهای جهان با آنها روبرو هستند، استفاده می‌کنند؛ سیستم "Copin Olerly" که ریسک‌های ثابت حکومت، آشفستگی، انتقال مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم و بازار صادرات را پیش‌بینی می‌کند و سیستم برآورد ریسک "ICRG" که ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و مالی را برآورد می‌نماید. در سیستم ICRG ریسک سیاسی شامل ۱۳، ریسک مالی ۵ و ریسک اقتصادی ۶ مورد است. ریسک سیاسی شامل شاخصهای انتظارات اقتصادی در برابر

واقعیت، شکست طرح‌های اقتصادی، رهبری سیاسی، نزاع خارجی، فساد دولتی، دخالت‌های گروه‌های مذهبی در سیاست، قانون و عرف، فشارهای نژادی و ملی، تروریسم سیاسی، جنگ داخلی، توسعه احزاب سیاسی و کیفیت بروکراسی است.

ریسک مالی شامل شاخصهای کاهش وام یا بازسازی نامطلوب وام، پرداخت اعتبارات، نکول قرارداد توسط دولت‌ها، هزینه‌های ناشی از کنترل مبادلات و سلب مالکیت سرمایه‌های خصوصی می‌باشد. ریسک اقتصادی نیز اهم شاخصهای تورم، پرداخت اصل و فرع به عنوان درصدی از صادرات کالا و خدمات، نقدینگی تجارت خارجی و موازنه حساب جاری به عنوان درصدی از کالاها و خدمات و شاخصهای بازار مبادلات خارجی است. پس از محاسبات ریسک، کشورها به چهار دسته تقسیم می‌شوند: کشورهای گروه A (ریسک پایین)، کشورهای گروه B (ریسک متوسط)، کشورهای گروه C (ریسک بالا) و کشورهای گروه D (با ریسک بسیار بالا).

۶- مالیات

دولت در هر کشوری مسئولیت‌های بسیاری را بر عهده دارد که حفظ امنیت جانی و مالی مردم مهم‌ترین آن است. در همین حال دولت نیازمند منابع مالی برای انجام وظایف خود به ویژه در حول محور امنیت جانی و مالی است. مهم‌ترین منبع درآمد دولت برای تامین هزینه‌های جاری مالیات است. هر اندازه که سهم مالیات در تامین هزینه‌های جاری دولت افزایش پیدا می‌کند به همان اندازه بودجه‌ی دولت از سلامت، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد و نیاز دولت به استقراض یا فروش دارایی‌های ملی را محدود ساخته و در مقابل انگیزه دولت برای تصدی‌گری امور اقتصادی را تخفیف داده و قدرت حاکمیت آن را تقویت می‌کند.

مالیاتها به دلیل اثرهای تخصیصی و توزیعی همواره مورد توجه نظریه‌پردازان اقتصادی بوده است و به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل سیاستگذاری دولت و در حقیقت یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد تغییر در درآمد ملی مورد توجه قرار دارند. در این قسمت به بررسی مفهوم، اهمیت و سایر زوایای مالیات می‌پردازیم.

۶-۱- مفهوم کلی و اهمیت مالیات

ریکارδο که از اولین اقتصاددانان مشهوری می‌باشد که در ارتباط با مالیات اشاراتی داشته است، در تعریف مالیات می‌گوید که آن بخش از محصول زمین و یا نیروی کار یک کشور است که برای تأمین هزینه‌های دولتی اختصاص می‌یابد. با توجه به اینکه در قرن ۱۸ میلادی که ریکارδο می‌زیسته است، منابع درآمد و تولید عملاً در کار و زمین خلاصه می‌شوند، در واقع مالیات مذکور شامل بخشی از کل محصولات تولیدی بوده است. در حال حاضر نیز مالیات در واقع بخشی از درآمد نیروی کار زمین و یا سرمایه در دسترس افراد و بنگاهها می‌باشد که توسط دولت اخذ می‌گردد. مالیات یکی از مهمترین ابزار اعمال سیاست مالی دولت‌ها می‌باشد. اصولاً مالیات از لوازم اصلی اداره حکومت می‌باشد. یعنی وجود دولت و حکومت بدون پدیده مالیات غیرمعقول می‌باشد. از سوی دیگر مالیات در حال حاضر یک امر عادی در زندگی مردم گردیده است و اصولاً یک ضرب‌المثل غربی معروف شده است که از دو چیز نمی‌توان فرار کرد، یکی مرگ است و دیگری مالیات.

اهمیت مالیات تنها از بعد کارآیی آن برای دولت نبوده بلکه آثار و فشارهای ناشی از آن عادلانه و یا ناعادلانه بودن آن، تأثیر آن بر کارایی اقتصادی، ایجاد انگیزه منفی و یا مثبت برای فعالیت‌های گوناگون و امثال آن نیز مورد توجه خاص می‌باشد. بنابراین مقوله مالیات از ابعاد مختلف باید مورد توجه قرار گیرد و در ضمن برخوردی شفاف و اصولی را می‌طلبد. زیرا هم عنصری است که بدون آن اقتصاد نخواهد چرخید و هم عنصری است که می‌تواند موجب اشکالات و مشکلاتی در همان اقتصاد گردد. داشتن نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه آرزوی بسیاری از ملت‌ها می‌باشد که در عین حال در بسیاری از موارد امکان جمع این دو عنصر دشوار می‌باشد. حداقل باید تلاش کلی این باشد که نظام مالیاتی زیان کارآیی و زیان ناشی از عدالت کمتری بر جامعه تحمیل نماید.

۶-۲- مقایسه میزان مالیات در کشورهای مختلف

اصولاً کارآمدترین و اقتصادی‌ترین راه تأمین هزینه‌ها، مالیات می‌باشد. علاوه بر مالیات راههای دیگری نیز در شرایط خاص به کار می‌روند که هر یک مشکلات خاصی دارند و در نتیجه روش مالیات بر همه آنها ترجیح دارد. یکی از این راهها فروش منابع و مواد خام

می‌باشد که سالها است گریبانگیر بسیاری از کشورهای جهان سوم می‌باشد. این راه حل علاوه بر آنکه منابع ملی مربوط به نسل‌های آینده را برای تأمین هزینه‌های جاری به فروش می‌رساند، اصولاً راه‌حلی کوتاه مدت است. چون در هر صورت منابع کلیدی مانند نفت و ذغال سنگ ماهیتاً پایان‌پذیر هستند. گذشته از این قیمت آنها نسبت به قیمت کالاهای ساخته شده بسیار پایین است. راه حل سنتی و غیر اقتصادی دیگر، استقراض می‌باشد که گاهی می‌تواند بصورت استقراض از مردم کشور مورد بحث، صورت گیرد. زمانی بصورت استقراض از سیستم بانکی انجام شود و در شرایط خاص بشکل استقراض از خارج تحقق می‌یابد. هر سه مسیر استقراض دارای آثار منفی مشخصی هستند. بطور نسبی، استقراض از مردم مضرات کمتری نسبت به دو نوع دیگر دارد. استقراض از خارج می‌تواند به نوعی وابستگی اقتصادی و در نتیجه سیاسی منجر شود که هزینه سنگینی بر دوش جامعه خواهد بود. و استقراض از بانک مرکزی در واقع به منزله چاپ پول جدید بوده و حداقل اثر منفی آن حاکمیت نوعی تورم می‌باشد. در نتیجه کشورهایی که در تلاش برای استقرار یک نظام اقتصادی سالم هستند، همواره راه حل مالیات را به عنوان تنها راه حل بلند مدت تأمین هزینه‌های دولتی در نظر گرفته، براساس آن نظام مالیاتی متناسبی را تنظیم می‌نمایند. نوع کشورهای پیشرفته گاهی حتی نزدیک به ۳۰ درصد ارزش تولید ناخالص داخلی خود را بصورت مالیات دریافت می‌دارند. جدول شماره ۱ نوعی مقایسه بین میزان مالیات بصورت درصدی از GDP در چند کشور منتخب و ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مقایسه درآمدهای مالیاتی بصورت درصدی از GDP برای برخی از کشورها

سال	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
آلمان	۱۰.۹	۱۱.۷	۱۱.۹	۱۱.۳	۱۱.۳	۱۱.۴	۱۰.۹	۱۱.۱	۱۱.۳	۱۱.۸	۱۱.۸	۱۲.۱	۱۲.۴
انگلستان	۲۸.۳	۲۸.۶	۲۹.۰	۲۸.۷	۲۷.۴	۲۷.۰	۲۷.۲	۲۷.۹	۲۸.۰	۲۷.۸	۲۸.۵	۲۸.۵	۲۸.۷
آمریکا	۱۲.۷	۱۰.۶	۱۰.۰	۱۰.۱	۱۱.۲	۱۱.۹	۱۱.۹	۱۰.۱	۸.۵	۸.۶
نروژ	۲۷.۴	۲۶.۹	۲۷.۹	۲۶.۳	۲۸.۰	۲۹.۰	۲۹.۷	۲۹.۲	۲۷.۵	۲۹.۸
ایتالیا	۲۴.۱	۲۴.۶	۲۳.۲	۲۲.۸	۲۲.۱	۲۲.۱	۲۱.۶	۲۱.۳	۲۲.۷	۲۳.۰	۲۲.۶	۲۲.۷	۲۲.۶
سوئد	۲۱.۲	۲۲.۱	۱۹.۷	۲۲.۶	۱۸.۹	۱۹.۶	۲۰.۲	۲۰.۹	۲۰.۶	۱۹.۸	۱۹.۰	۱۸.۲	۱۹.۴
فرانسه	۲۲.۶	۲۳.۴	۲۳.۲	۲۳.۰	۲۲.۴	۲۲.۰	۲۲.۲	۲۲.۴	۲۲.۴	۲۱.۸	۲۱.۴	۲۰.۹	۲۰.۴
ایران	۹.۳	۹.۱	۶.۳	۶.۳	۵.۵	۵.۹	۶.۰	۷.۹	۷.۴	۷.۳	۷.۶	۷.۵	۷.۶

منبع: World Development Indicators, 2012.

ملاحظه می‌شود که سهم مالیات از کل تولید ناخالص در کلیه کشورهای صنعتی و ثروتمند سهم عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده و برای کشورهای مثل انگلیس و نروژ حتی تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌گردد. این در حالی است که در ایران سهم درآمدهای مالیاتی بصورت درصدی از GDP در طی سال‌های اخیر همواره کمتر از ده درصد بوده است.

۳-۶- اهداف و وظایف مالیات

اولین هدف از وضع و جمع آوری مالیات، تأمین مالی هزینه‌های دولتی است و اصولاً یک محور اصلی مباحث مالیه عمومی برای بررسی راهها و چارچوب‌های مربوط به تأمین مالی هزینه‌های مذکور مدون می‌گردد.

همانطور که اشاره شد در کشورهایی که دارای نظام مالیاتی کارآمدی هستند، درآمدهای مالیاتی گاهی بالغ بر نزدیک ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی نیز می‌گردد. هر چه میزان بیشتری از هزینه‌های دولت توسط مالیات تأمین مالی گردد، نظام مالیاتی از انسجام و قوت بیشتری برخوردار است. زیرا راههای دیگر تأمین هزینه (مثلاً فروش منابع ملی و یا استقراض و امثال آن) از نظر اقتصادی توجیه کافی به همراه ندارند. از اهداف دیگر وضع مالیات، اعمال نوعی توزیع مجدد درآمد می‌باشد. چون می‌توان از طریق مالیات از یک سری درآمدهای بالا کاسته و درآمدهای حاصل را جهت بهبود زندگی کم درآمدهای جامعه بکار برد. اصولاً در موارد زیادی در صورتی که مالیات اعمال نشود و یا بطور نامناسب عمل شود، اختلاف درآمد شدیدی می‌تواند بین اقشار مختلف مردم حاکم باشد.

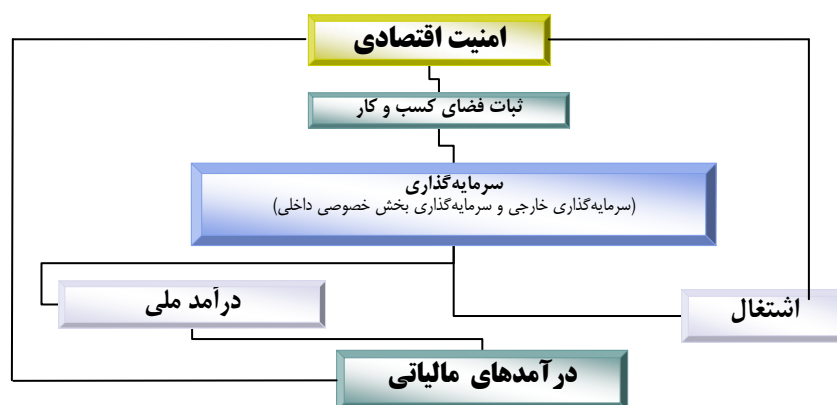
علاوه بر هدف توزیعی، مالیات گاهی در راستای تحقق هدف تثبیتی نیز بکار می‌رود. در اینجا کاهش مالیات می‌تواند از یکسو در شرایط رکود و بیکاری، باعث گسترش فعالیتهای اقتصادی و با فرض ثبات سایر شرایط محرکی در افزایش تولید و اشتغال و رفع بیکار گردد. همینطور در شرایط رونق و بالا بودن قیمت‌ها ابزار مالیات می‌تواند از طریق کاهش تقاضای کل جامعه در راستای تحقق تثبیت قیمت‌ها حرکت کند. علاوه بر اینها با تغییر تعرفه‌های مالیاتی این امکان وجود دارد که بتون وضع واردات و صادرات و

چارچوب تراز بازرگانی و بطور کلی روابط اقتصاد بین‌الملل بهبود یابد. زیرا در صورتی که مثلاً مصلحت اقتصادی یک کشور اقتضاء داشته باشد که واردات کاسته شود، تعرفه سنگین می‌تواند تا حد زیادی این سیاست را اعمال کند. گذشته از اینها حتی مالیات می‌تواند ابزاری برای کنترل مصرف برخی کالاها محسوب گردد. مثلاً اگر مصرف یک کالا از نظر اقتصادی و یا بهداشتی مضر باشد، افزایش مالیات بر آن می‌تواند در مواردی باعث کاهش مصرف آن گردد. بعبارت دیگر مالیات علاوه بر نقش‌های توزیعی، تثبیتی و درآمدی، دارای نقش تخصیصی نیز می‌باشد. استفاده از مالیات برای کاهش تولید کالاهای مضمحل‌آلودگی، کاربرد معافیت برای تولید کالاهای عمومی نیز از دیگر استفاده‌های تخصیصی از مالیات می‌باشد.

۷- امنیت و درآمدهای مالیاتی

برای بررسی چگونگی تاثیرگذاری امنیت اقتصادی بر روی درآمدهای مالیاتی، باید به بررسی سیستم کلان اقتصادی با در نظر گرفتن امنیت اقتصادی پرداخت. در ساختار مذکور، این موضوع مد نظر قرار می‌گیرد که چگونه امنیت اقتصادی بر روی شاخص‌های کلان و سطح فعالیت‌های اقتصادی تاثیر گذاشته و موجبات افزایش پایه مالیاتی از طریق افزایش درآمد ملی را می‌گردد.

شکل شماره ۱: مدل تحلیلی رابطه امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی



امنیت اقتصادی و مقولات مرتبط با آن می‌تواند بر فضای کسب و کار و درآمد ملی تاثیرگذار بوده و از این طریق درآمدهای مالیاتی را تحت تاثیر قرار دهد. چگونگی تاثیرگذاری امنیت اقتصادی روی فعالیت‌های کلان اقتصادی و درآمد ملی را می‌توان با مدل تحلیل شکل شماره ۱ بیان نمود.

با توجه به مدل تحلیلی فوق آشکار است که امنیت اقتصادی با تاثیر بر فضای کسب و کار می‌تواند موجبات رونق فضای کسب و کار از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی را فراهم نماید که این امر خود به افزایش تولید و درآمد ملی و افزایش پایه مالیاتی و در نهایت به افزایش درآمدهای مالیاتی کمک شایانی نماید. افزایش درآمدهای مالیاتی به نوبه خود می‌تواند منابع لازم برای نظارت، کنترل و ثبات فضای کسب و کار را فراهم نماید و با افزایش امنیت اقتصادی در کنار سایر مؤلفه‌های تاثیرگذار بر رونق فضای کسب و کار به افزایش بیشتر درآمد ملی و درآمدهای مالیاتی کمک نماید.

برای بررسی تجربی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی لازم می‌باشد با توجه به مدل تحلیلی ارائه شده و ادبیات اقتصادی رابطه تبعی بین این مقوله مطرح شده بصورتی تصریح گردد که قادر باشد با روشهای معمول اقتصادسنجی قابل برآورد باشد. پس از تصریح رابطه بین این دو متغیر و برآورد آن بوسیله تکنیک‌های اقتصادسنجی به آزمون فرضیه و استنتاجات آماری می‌پردازیم.

برای بررسی رابطه بین درآمدهای مالیاتی و امنیت اقتصادی، با توجه به مباحث مربوط به ادبیات کلان اقتصادی از تابع درآمدهای مالیاتی در حالت عمومی بصورت زیر را در نظر می‌گیریم.

$$T = T(Y, Other) \quad (1)$$

در تابع فوق T مجموع کل درآمدهای مالیاتی، Y درآمد ملی و $Other$ سایر عوامل می‌باشد.

در تابع فوق Y خود تابعی از عوامل مختلف مثل سطح مصرف، سرمایه‌گذاری و غیره دارد. همینطور سطح سرمایه‌گذاری نیز به عوامل مختلفی از جمله نرخ بهره، سطح امنیت و ریسک اقتصادی و سایر عوامل بستگی دارد.

لذا اگر بخواهیم تابع درآمد کل را به صورت مبسوط‌تر بیان کرده و تاثیر امنیت اقتصادی را در آن ببینیم می‌توانیم بصورت معادله شماره (۲) بیان نماییم.

$$T = T(Y, SEC, Other) \quad (2)$$

در معادله فوق دوباره T مجموع کل درآمدهای مالیاتی، Y درآمد ملی، SEC ، شاخص بیان کننده امنیت اقتصادی و ثبات بستر کسب و کار و $Other$ سایر عوامل تاثیرگذار می‌باشد.

در رابطه بیان شده (۲) ذکر چند نکته به شرح زیر ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به اینکه هدف ما در اینجا جداسازی تاثیر امنیت اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی است لذا از عوامل تاثیرگذار بر درآمد ملی و از این طریق بر درآمدهای مالیاتی، شاخص امنیت را جدا نموده‌ایم تا تاثیرپذیری درآمدهای مالیاتی از بخوبی نمایان گردد.

برای شاخص سازی امنیت اقتصادی رویکردهای مختلف در ادبیات اقتصادی وجود دارد. در بسیاری از رویکردهای مزبور آزادی اقتصادی در کنار رعایت حقوق مالکیت در کشورها را به عنوان عوامل اصلی و تاثیرگذار در امنیت اقتصادی به شمار می‌آورند. آزادی اقتصادی خود شامل چندین زیر شاخص می‌باشد که می‌توان به آزادی مالی، آزادی تجارت، اندازه دولت و غیره اشاره نمود.

در نوشتار حضار برای عامل امنیت در رابطه دو شاخص حقوق مالکیت و زیر مجموعه‌ای از شاخص‌های آزادی اقتصادی منتشر شده توسط موسسه هریتیج استفاده گردیده است. موسسه هریتیج به صورت سالانه وضعیت فضای کسب و کار، امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری و آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف دنیا را طی گزارش‌های سالانه منتشر می‌کند.

گزارش مربوط به شاخص‌های امنیت و آزادی اقتصادی موسسه هریتیج برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ منتشر گردید و پس از آن با مشارکت ژورنال وال استریت به صورت سالانه و تاکنون به فعالیت خود ادامه داده است. هدف این شاخص‌ها اندازه گیری و مقایسه امنیت و آزادی اقتصادی بین کشورها در سراسر

دنیا است. شاخص مذکور با استفاده از حدود ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ شاخص دسته بندی شده اند محاسبه و ارائه می شود. در مقاله حاضر رعایت حقوق مالکیت، آزادی مالی، آزادی سرمایه گذاری و آزادی کسب و کار به عنوان عوامل نشان دهنده امنیت اقتصادی مد نظر قرار گرفته شده و در تحلیل تجربی رابطه بین مالیات و امنیت اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است.

۸- بررسی تجربی رابطه امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی

در این قسمت برای بررسی تجربی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی، منتخبی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)^۱ که از نظر ساختارهای اقتصادی شباهت های نسبی دارند انتخاب و رابطه مقوله های امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر محققین در صدد بررسی رابطه بین درآمدهای مالیاتی و امنیت اقتصادی در کشورهای منطقه منا بودند ولی به دلیل نبود اطلاعات تمام کشورهای این منطقه، مجبور به انتخاب کشور های یاد شده بر مبنای در دسترس بودن اطلاعات نمودند. کشورهای مذکور عبارتند از ایران، الجزایر، بحرین، مصر، اردن و کویت. در این راستا برای نیل به هدف تحقیق از روش داده های تلفیقی (تابلویی)^۲ به بررسی رابطه بین مقوله امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی پرداخته شده است.

برای بررسی تجربی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی لازم است که شکل تبعی صریح ریاضی بین این دو متغیر تصریح و با در نظر گرفتن سایر متغیرهای تاثیرگذار قابل برآورد باشد. بدین منظور برای اینکه رابطه بیان شده برای درآمدهای مالیاتی (۲) قابل برآورد و تخمین باشد، یک تقریب خطی آن تصریح می گردد که شامل متغیرهای درآمد ملی، امنیت اقتصادی و یک سری

^۱ Middle East and North Africa

^۲ Panel Data

متغیرهای کنترلی دیگر تاثیرگذار بر درآمدهای مالیاتی است که تاثیرگذاری آنها بر مبنای ادبیات تئوریک و تجربی اثبات شده است. رابطه تصریح شده مذکور به شرح زیر می‌باشد:

$$\begin{aligned} Tax = & \beta_0 + \beta_1 GDPG + \beta_2 INF + \beta_3 EXGDP + \beta_4 CFGDP \\ & + \beta_5 BF + \beta_6 INV F + \beta_7 FIN F + \beta_8 PRPOP \end{aligned} \quad (3)$$

مدلهای با داده‌های تابلویی شده دارای حالات مختلفی می‌باشد که برای انتخاب انواع مدلها و گزینش هر یک باید آزمونهای مختلفی را انجام داد. در این راستا با استفاده از آزمونهای تشخیص مدل، بهترین مدل توضیحی انتخاب و به بررسی تاثیرگذاری متغیرهای توضیحی روی متغیر وابسته (درآمدهای مالیاتی) اقدام شده است. بدین منظور طبق ادبیات اقتصادسنجی مدل‌های با داده‌های تابلویی، ابتدا رابطه شماره ۳ بصورت مدل ادغام شده (Pooled Model)، مدل با اثرات ثابت (Fixed Effect) و مدل با اثرات تصادفی (Random Effect) برآورد گردیده است تا مناسب‌ترین مدل انتخاب گردد.

اولین آزمون که در این راستا یعنی انتخاب نوع مدل صورت می‌گیرد آزمون معنی‌دار بودن اثر گروه می‌باشد که فروض این آزمون به صورت ذیل بیان می‌شود:

$$H_0 : \alpha_i = \alpha, \quad \beta_i = \beta$$

$$H_1 : \text{Not } H_0$$

فرض H_0 بیان‌کننده این موضوع می‌باشد که آیا در میان تمام مقاطع و بخشها این قابلیت برای داده‌ها وجود دارد که تمامی ضرایب یعنی شیب‌ها و عرض از مبداها برای مقاطع مختلف یکسان در نظر گرفته شود. برای این منظور در ابتدا برای تمامی کشورها طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ با استفاده از تخمین حداقل مربعات معمولی (OLS)، به برآورد ضرایب هر یک از رگرسیون کشورهای مورد نظر می‌پردازیم. آزمون بین مدل ادغام شده و مدل با اثرات ثابت می‌پردازیم.^۱

^۱ برای مشاهده نتایج تخمین به ضمیمه فصل مراجعه کنید.

مقدار آماره محاسبه شده برابر ۳۹/۳۸۱۹۲ بدست می‌آید که در مقایسه با مقدار جدول در سطح ۹۵ درصد فرضیه صفر رد می‌شود، یعنی برابری عرض از مبدأ و شیبها برای تمام مقاطع مختلف (کشورها) را نمی‌توان پذیرفت.

اکنون سوال این است که با وجود معنی‌دار بودن اثر گروه آیا این اثر تنها در تفاوت در عرض از مبدأ بوده یا مربوط به شیبها نیز هست. عبارت دیگر مدل با اثرات ثابت (Fixed Effect) یا مدل با اثرات تصادفی (Random Effect) برای مدل معرفی شده مناسب است. در این زمینه از آزمون تشخیص هاسمن استفاده می‌کنیم.

سوال را می‌توان اینگونه بیان کرد که آیا در طول زمانهای مختلف این امکان وجود دارد که ضرایب متغیرهای مستقل (شیبها) و عرض از مبدأها تغییر کند یا اینکه برای زمانهای مختلف شیبها هستند و در طول زمان تغییر نمی‌کند که فروض H_0 و H_1 به ترتیب به صورت ذیل تعریف می‌شوند:

$$H_0 : b = \hat{B}$$

$$H_1 : b \neq \hat{B}$$

آماره آزمون هاسمن با درجه آزادی برابر ۹ برابر ۲۹/۷۹۸۴ بدست می‌آید که در مقایسه با مقدار جدول در سطح ۹۵ درصد فرضیه H_0 را نمی‌توان قبول کرد و فرضیه صفر آزمون هاسمن یعنی برابر برآورد کننده‌های هر دو روش حداقل مربعات تعمیم یافته و متغیر مجازی پذیرفته نشده و توجیه می‌شود که از روش اثرات ثابت (Fixed Effect) برای دریافت تفاوت در واحدهای مقطعی استفاده شود و مدل اثرات ثابت به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت بین کشورهای مختلف توسط عرض از مبدأ با اثرات ثابت بهتر قابلیت توجیه دارد.^۱

بنابر این با رعایت انجام آزمون‌های مربوطه مدل با اثرات متغیر مورد برازش قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۱ خلاصه گردیده است.

^۱ به جدول ضمیمه رجوع کنید

جدول شماره ۲: ضرایب برآوردی مدل انتخابی

آماره t	ضریب	متغیر	
2.615485	14.30569	C	جزء ثابت
2.319587	0.183686	BF?	آزادی تجاری
1.982731	0.067817	INVF?	آزادی سرمایه گذاری
1.932852	0.041347	FINF?	آزادی مالی
2.251047	-0.096421	PROR?	حقوق مالکیت
3.231193	0.020333	GDPG?	رشد اقتصادی
-5.438150	-0.021546	INF?	تورم
3.867266	0.129126	EXGDP?	صادرات
2.014509	0.062437	IMGDP?	واردات
-2.319441	-0.044658	CFGDP?	تشکیل سرمایه
R-squared: 0.975332 Adjusted R-squared: 0.967824 F-statistic: 129.9095			

منبع: یافته‌های تحقیق

ضریب R^2 (تعیین مدل) ۰/۹۶۷۸۲۴ است و گویای این مطلب می‌باشد که در حدود ۹۶ درصد تغییرات در درآمدهای مالیاتی در کشورهای منتخب توسط متغیرهای برونزای مدل توضیح داده می‌شود. میزان F معادل ۱۲۶/۹۰۵ حکایت از معنادار بودن کلی خط رگرسیون می‌باشد. به عبارت دیگر فرضیه عدم معنی‌داری مدل و یا به عبارتی برابر صفر بودن تمام ضرایب بصورت همزمان رد می‌گردد. پس مدل رگرسیونی و وجود آن بوسیله آزمون F تأیید می‌شود. آماره t نیز صحت برآورد پارامترهای مدل را تأیید می‌کند که اگر بصورت سرانگشتی دو و یا بیشتر باشد ضریب مربوطه از نظر آماری معنی‌دار است.

با توجه به مدل برآورد شده، مشاهده می‌شود که آزادی تجاری به عنوان اولین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی وارد شده در مدل تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. ضریب این متغیر برابر ۰/۱۸ است که به معنای این است که بهبود یک واحد شاخص آزادی تجاری با شرط ثابت سایر شرایط به اندازه ۰/۱۸ واحد به افزایش درآمدهای مالیاتی منجر می‌شود. با توجه به اینکه آماره آزمون t برابر ۲/۳۱ و

بزرگتر از ۲ است، معنی‌داری تاثیر این متغیر روی درآمدهای مالیاتی در قالب مدل ارائه شده محرز می‌گردد.

به مانند متغیر آزادی تجاری، مشاهده می‌شود که آزادی سرمایه گذاری نیز به عنوان دومین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی وارد شده در مدل تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. ضریب این متغیر برابر $0/41$ است که به معنای این است که بهبود یک واحد شاخص آزادی تجاری با شرط ثابت سایر شرایط به اندازه $0/06$ واحد به افزایش درآمدهای مالیاتی منجر می‌شود. این متغیر نیز از لحاظ آماری تاثیر معناداری روی درآمدهای مالیاتی دارد.

آزادی مالی به عنوان سومین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. ضریب این شاخص برابر $0/04$ و آماره t مربوط به آن برابر $1/93$ می‌باشد که معناداری آماری آن را نشان می‌دهد.^۱ نکته جالب توجه در مدل برآورد شده حاضر رابطه منفی بین شاخص حقوق مالکیت و درآمدهای مالیاتی است. با توجه به مدل برآورد شده مشاهده می‌شود که میزان حمایت دولت از اموال و دارائی بخش خصوصی که با شاخص حقوق مالکیت بیان می‌شود رابطه منفی با تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. دلیل این موضوع می‌تواند از این واقعیت نشأت بگیرد که با توجه به اینکه احترام به حقوق مالکیت در این کشورهای منتخب طبق آمارهای جهانی^۲ در سطوح پایینی قرار دارد و در یک دوره کوتاه مدت بهبود این امر ممکن است با یک سری ناهنجاری‌هایی در فعالیتهای اقتصادی باشد. بویژه به خاطر غالب بودن بخش دولتی در اقتصاد این کشورها، احترام به حقوق مالکیت و بهبود آن در کوتاه مدت ممکن است اثرات مثبتی نداشته باشد و مستلزم گذشت زمان باشد. با توجه به مدل برآورد شده ضریب متغیر رشد اقتصادی برابر $0/02$ بوده که مثبت و از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد. که از نظر آماری معنی دار نمی‌باشد.

تورم به عنوان یکی از متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل، در کشورهای منتخب تاثیر منفی و معنی‌داری از نظر آماری روی تحقق درآمدها مالیاتی دارد. بدین معنی که با

^۱ با توجه به ضمایم

^۲ به گزارشات بانک جهانی و موسسه هریتیج مراجعه فرمایید.

افزایش تورم نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP در حال کاهش می‌باشد. متغیرهای کنترلی صادرات و واردات بصورت درصدی از GDP تاثیر مثبت و معناداری را روی درآمدهای مالیاتی بصورت درصدی از GDP دارند. همچنین متغیر تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی کشورهای مذکور به عنوان متغیر کنترلی تاثیر منفی و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد که این امر خود می‌تواند نشان‌دهنده این موضوع باشد که تشکیل سرمایه بعنوان رونق فعالیت‌های اقتصادی ممکن است مشمول معافیت‌های مالیاتی در این کشورها گردد..

۹- جمع‌بندی

از زمانهای گذشته تاکنون دولتها برای خود اهداف و وظایف خاصی را قائل بوده‌اند که این وظایف با توجه به ساختار جامعه‌ها و نیز دوره‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است. توزیع مجدد درآمد و برقراری و حفظ عدالت اجتماعی از اهداف عمده‌ی اقتصادی است که اکثر دولتها آن را دنبال می‌کنند. مالیات ایزاری است که می‌تواند توزیع مجدد ثروت در جامعه را عادلانه کند و از گسترش فاصله‌ی طبقاتی میان دهک‌های مختلف درآمدی جلوگیری نماید. در همین حال از یک طرف نظام مالیاتی کارآمد می‌تواند از بروز مفاسد اقتصادی جلوگیری نماید و از طرف دیگر وجود امنیت اقتصادی در جامعه‌ای با حداقل ریسک و مفاسد اقتصادی بستر فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی را فراهم نموده که از این طریق موجبات افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود و دولت را در انجام وظایف خود تواناتر می‌سازد.

از نظر تئوریک محیط امن اقتصادی یک عامل کلیدی در ارتقای سرمایه‌گذاری خصوصی و به تبع آن رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است.^۱ در یک بیان ساده می‌توان امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاها و خدمات، هم در بعد داخلی و هم در بعد بین‌المللی، دانست.^۲ تامین امنیت اقتصادی نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که بتواند عملکرد مطلوب کلیه نهادهای

^۱ Fabriciu, 1998

^۲ پورسید، ۱۳۸۱

مرتبط با فرآیند تولید و سرمایه‌گذاری را فراهم سازد. از طرفی امنیت اقتصادی در جلب و جذب سرمایه‌های خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.^۱ از سوی دیگر مهمترین پیش شرط امنیت اقتصادی که فعالان اقتصادی انتظار دارند، وجود قوانین جامع و مانع در کشور است به نحوی که بتوانند بر اساس محاسبات بلند مدت نتیجه تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری خود را پیش‌بینی کنند.^۲ یکی از مهمترین اصول این نوع از قوانین ثبات نسبی آنها می‌باشد. امنیت اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیتهای بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید. این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد.

دولت در هر کشوری مسئولیت‌های بسیاری را بر عهده دارد که حفظ امنیت جانی و مالی مردم مهمترین آن است. در همین حال دولت نیازمند منابع مالی برای انجام وظایف خود به ویژه در حول محور امنیت جانی و مالی است. مهمترین منبع درآمد دولت برای تامین هزینه‌های جاری مالیات است. هر اندازه که سهم مالیات در تامین هزینه‌های جاری دولت افزایش پیدا می‌کند به همان اندازه بودجه‌ی دولت از سلامت، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد و نیاز دولت به استقراض یا فروش دارایی‌های ملی را محدود ساخته و در مقابل انگیزه دولت برای تصدی‌گری امور اقتصادی را تخفیف داده و قدرت حاکمیت آن را تقویت می‌کند.

مالیاتها به دلیل اثرهای تخصیصی و توزیعی همواره مورد توجه نظریه‌پردازان اقتصادی بوده است و به عنوان یکی از مهمترین عوامل سیاستگذاری دولت و در حقیقت یکی از مهمترین ابزارهای ایجاد تغییر در درآمد ملی مورد توجه قرار دارند.

امنیت اقتصادی و مقولات مرتبط با آن می‌تواند بر فضای کسب و کار و درآمد ملی تاثیرگذار بوده و از این طریق درآمدهای مالیاتی را تحت تاثیر قرار دهد. امنیت اقتصادی با تاثیر بر فضای کسب و کار می‌تواند موجبات رونق فضای کسب و کار از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی را فراهم نماید که این امر خود به افزایش تولید و درآمد ملی و افزایش پایه مالیاتی و در نهایت به افزایش درآمدهای مالیاتی کمک شایانی نماید.

^۱ Brunetti et al, 1997

^۲ میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲

افزایش درآمدهای مالیاتی به نوبه خود می‌تواند منابع لازم برای نظارت، کنترل و ثبات فضای کسب و کار را فراهم نماید و با افزایش امنیت اقتصادی در کنار سایر مؤلفه‌های تاثیرگذار بر رونق فضای کسب و کار به افزایش بیشتر درآمد ملی و درآمدهای مالیاتی کمک نماید.

در مطالعه حاضر بررسی تجربی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)^۱ که از نظر ساختارهای اقتصادی شباهت‌های نسبی دارند، انجام پذیرفته شده است. بدین منظور از روش داده‌های تابلویی برای برآورد مدل استفاده شده است.

با توجه به مدل برآورد شده، آزادی تجاری به عنوان اولین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی، تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. متغیر آزادی سرمایه‌گذاری، به عنوان دومین شاخص نیز تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. آزادی مالی به عنوان سومین شاخص ثبات و امنیت اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. نکته حائز اهمیت رابطه منفی بین شاخص حقوق مالکیت و درآمدهای مالیاتی است. همچنین در کشورهای منتخب رشد اقتصادی تاثیر مثبتی بر روی درآمدهای مالیاتی دارد و تورم به عنوان یکی از متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل، تاثیر منفی و معنی‌داری از نظر آماری روی تحقق درآمدهای مالیاتی دارد. متغیرهای کنترلی صادرات و واردات بصورت درصدی از GDP تاثیر مثبت و معناداری را روی درآمدهای مالیاتی بصورت درصدی از GDP دارند.

۱۰- منابع و مأخذ

- ۱) آزر، ادواردی و چونگ این، "امنیت ملی در جهان سوم"، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲) "امنیت اقتصادی و مروری بر موانع سرمایه‌گذاری در ایران"، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ۱۳۷۴.
- ۳) بوزان، باری (۱۳۷۸)، "مردم، دولتها و هراس"، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

^۱ Middle East and North Africa

- ۴) پور سید، بهزاد (۱۳۸۲)، "امنیت اقتصادی در بعد سرمایه گذاری خارجی"، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- ۵) تمدن، محمد حسین، درخشان، مسعود (۱۳۸۲)، "نکاتی چند درباره امنیت اقتصادی و راههای تامین آن"، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- ۶) جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۰)، "اقتصاد بخش عمومی (۲)"، انتشارات سمت.
- ۷) حر عاملی، "وسائل الشیعه دارالکتب الاسلامیه"، جلد ششم، ۱۳۹۷ هـ.ق.
- ۸) چینی، حبیب (۱۳۸۲)، "امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات در برابر امنیت اقتصادی"، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- ۹) دادگر، یدالله (۱۳۶۸) "مالیه عمومی و اقتصاد دولت"،
- ۱۰) سزاوار، محمد (۱۳۸۲)، "دلایل کاهش امنیت اقتصادی در ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.
- ۱۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۲) قاسمیان، سلیمان (۱۳۸۲)، "نگاهی به مفهوم امنیت اقتصادی و نقش آن در توسعه اقتصادی"، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- ۱۳) گیلانی پور، جواد (۱۳۸۱)، "بررسی راهکارهای اجرای در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر نقش گمرک در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.
- ۱۴) عبدلی، گیلدا (۱۳۸۱)، "امنیت اقتصادی و تاثیر آن بر جذب منابع مالی (با تاکید بر بخش صنعت)"، موسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.
- ۱۵) کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۳)، "آدام امیت و ثروت ملل"، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۶) لپیزیگر، دنی، "تجربه توسعه در شرق آسیا"، ترجمه غلامعلی فرجادی، موسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی.
- ۱۷) ماندل، رابرت (۱۳۷۷) "چهره □ امنیت ملی"، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۸) "مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی"، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی و معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲

- ۱۹) موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)، "ریسک و اعتبار کشوری"، از سری مطالعات رتبه گذاری اقتصاد ایران.
- ۲۰) میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، "وظیفه قوه قضاییه در حل و فصل دعاوی تجاری به عنوان پیش شرط امنیت اقتصادی"، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- ۲۱) یوسفیان، علی و غلامی سعید (۱۳۸۲)، "امنیت اقتصادی و بروکراسی نامحدود"، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- 22) Brunetti, Aymo & Kisunko, George & Weder, Beatrice (1997), "credibility of Rules and economic Growth: Evidence from Worldwide Survey of the private sector", World Bank Policy research working paper, No. 1760, Washington.
- 23) DeRouen Jr. Kark & Biglaiser, Glen (2005), "Security, Property rights and US foreign direct investment", political Economy of MNE Conference at Washington University.
- 24) EIU. Reports on Economic Freedom. London: Economist Intelligence Unit, various years.
- 25) Fabricius, Michael (1998), "The impact of economic security on bank deposits and investment", IMF, WP/98/98.
- 26) Gwartney, James and Lawson, Robert (2009) "Economic Freedom of the World 2009 Annual Report", available at: http://www.freetheworld.com/2009/reports/world/EFW2009_toc_exsum.pdf
- 27) Knack, Stephen & Keefer, Phillip, (1995), "Institutions and economic performance: Cross-country testing using alternative measures", Economics and Politics, Vol. 7, November: 207-227.
- 28) Kubatova, Kveta and Rihova, Lucie (2009). "FACTORS AFFECTING REVENUES FROM CORPORATE TAX", available at: <http://www.icabr.com/fullpapers/Kubatova%20Kveta,%20Lucie%20Rihovau%20batova.pdf>
- 29) Omer C. Thomas and Shelley K. Marjorie (2003). "Competitive, Political, and Economic Factors Influencing State Tax Policy Changes", available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=268312
- 30) Poirson, Helene (1998), "Economic security, Private investment and growth in Developing Countries", IMF, WP/98/4.
- 31) Sameti, Morteza and Shahchera, Mahshid (2006), "Economic Freedom, Economic Growth & Governments Tax Revenue in (MENA)", Iranian Economic Review, Vol. 10, No. 17, Fall 2006
- 32) World Bank (2008), World Development Indicators 2008 (WDI 2008).